

دانشگاه لایپزیک

انستیتوی ارتباطات و علم رسانه‌ها

گروه (بررسی) تاریخی و سیستماتیک علم ارتباطات

سمینار: نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترم زمستانی 2002 و 2003

مدیر سمینار: دکتر کلاوس بک

# شبکه‌ها

درباره ساختار مفهومی شبکه‌ها توسط مانفرد فاسلر

محمد ایزدجو

توضیح برای خواننده فارسی زبان:

مقاله علمی کنونی، مستقیماً از متن اصلی آلمانی که در بهار سال 2003 (1382) در دانشگاه لایپزیک، انستیتوی ارتباطات و علوم رسانه‌ها، گروه (بررسی) تاریخی و سیستماتیک علم ارتباطات ارائه شده، ترجمه شده است. علیرغم عدم دسترسی خواننده فارسی زبان به برخی از منابع ذکر شده در کتاب و یا نامانوس بودن برخی از مباحثات دانش رسانه‌ها به زبان فارسی، از تغییر متن برای ترجمه خودداری شده است. توضیحات اضافی در متن در میان دو گروه [...] اضافه شده‌اند.

مترجمین: سارا دژم‌تباه، محمد ایزدجو

برای توضیحات و منابع بیشتر با آدرس نگارنده تماس بگیرید: [d2yar9@gmail.com](mailto:d2yar9@gmail.com)

## فهرست

3	فهرست.....
4	1 پیش در آمد.....
5	2 روش شناسی.....
7	3 شبکه: 3 گام نزدیک شونده به مفهوم.....
7	3.1 غوطه وری (Immersion).....
8	3.2 ریخت یابی رسانه ای (Mediamorphosis) (خودسازمانی فرهنگی که بر پایه رسانه ها شکل گرفته).....
9	3.3 شناخت (سطح ژرف).....
10	3.4 جوامع بسته ناشدنی (ارتباطات باز).....
11	3.5 دگرمراتبی [Heterarchy] (یچپیگی).....
12	4 نقد.....
12	4.1 نقدی بر روش شناخت.....
12	4.2 منافع اقتصادی.....
14	5 جمع بندی درک فاسلر از شبکه.....

## 1 پیش در آمد

جامعه اطلاعاتی در حال حاضر مقوله‌ای کلیدی برای دگرگونی اجتماعی در جوامع موسوم به جوامع صنعتی است. مفهوم‌سازی‌ای یکپارچه و نظری‌ای [انگاره سازی] درباره جامعه اطلاعاتی وجود ندارد. رویکردهای نظری تاکنونی، فقط بر روی تک زمینه‌های [زیر مجموعه‌های] معینی در پهنه فرهنگ، سیاست و اقتصاد اشاره دارند. گزاره‌های آنان ناهمگون است.

دگرگونی اجتماعی به طور عام از طریق فاکتورهای درونی و بیرونی و همچنین از طریق روندهای احساسی و شناختی می‌توانند برانگیخته شوند. فرض می‌شود که دگرگونی‌ها، به ویژه از خصوصیات خودپژوه انسان‌ها سرچشمه می‌گیرند.<sup>1</sup>

برای چهار دهه درباره مفهوم‌سازی جامعه اطلاعاتی با رویکردهای متفاوت (برای نمونه جامعه اطلاعاتی به عنوان اقتصاد اطلاعاتی، به عنوان جامعه فراصنعتی و یا به عنوان جامعه صنعتی انفورماتیزه) اندیشیده می‌شود. در جستاری که در پی می‌آید، جامعه اطلاعاتی به عنوان شبکه‌ای جهانی درک می‌شود. در این جستار، مبنا کتاب "شبکه‌ها"<sup>2</sup> اثر مانفرد فاسلر است. شبکه‌ها در اینجا، دسترسی جهانی و نامحدود به داده‌ها و اطلاعات را نمایان می‌کنند. شبکه‌ها توسط انسان‌ها آفریده، نصب و به کار برده شده‌اند. بنابر این، آن‌ها بخشی از یک جامعه می‌شوند و در نتیجه دوباره تأثیر خود را بر مردم این جامعه باز می‌گردانند. آن‌ها پیامد اجتماعی دارند. شبکه‌ها خودپویایی را آشکار می‌کنند [و رها می‌سازند]. آن‌ها از طریق خودپویایی‌اشان؛ و نیز [همچنین از طریق] دگرگونی‌های درون اجتماع و ادراک [دریافت] انسان‌ها که از طریق شبکه‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کنند؛ اثرگذار می‌شوند. شبکه‌ها به عنوان زیرساخت تکنیکی، به عنوان یک پیش فرض جامعه اطلاعاتی به شمار می‌روند.

نوشته فاسلر، تلاشی برای فراگیری [درک] نظری پدیده پیچیده شبکه است. او واژگان شبکه را با توجه به زمینه‌های فنی، اجتماعی و فرهنگی مورد بحث قرار می‌دهد. درکی را که او از ساختارهای شبکه، شرایط و پیامدهایشان نمایندگی می‌کند، نشانگر الزام و پایبندی میان رشته‌ای [interdisciplinary] فاسلر است.<sup>3</sup>

فاسلر هدفش را چنین توضیح می‌دهد: "یک تئوری مدیامورفی [ریخت رسانه‌ای mediamorphen] شبکه‌ای لازم است. عناصر چنین تئوری‌ای را در زمینه‌های مختلف علمی می‌توان یافت. آن‌ها در این کتاب ارائه می‌شوند."<sup>4</sup>

در زیر، این معضل را توضیح خواهم داد. بازبینی کوتاهی درباره رویکرد نظری و روش‌شناسی فاسلر (پنج قدم برای نزدیک شدن برای گسترش مفهوم شبکه) ارائه خواهم داد و در ادامه رویکرد فاسلر را نقد خواهم کرد.

1 Löffelholz, Martin; Altmepfen, Klaus-Dieter: Kommunikation in der Informationsgesellschaft. In: Merten, Klaus; Schmidt, Siegfried; Weischenberg, Siegfried (Hrsg.): Die Wirklichkeit der Medien. Eine Einführung in die Kommunikationswissenschaft, Opladen: Westdeutscher Verlag 1994, S. 570.

2 Faßler, Manfred: Netzwerke. Einführung in die Netzstrukturen, Netzkulturen und verteilte Gesellschaftlichkeit. München: Fink/UTB 2001.

3 <http://www.literaturkritik.de/txt/2001-11/2001-11-0030.html>

4 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 117.

## 2 روش شناسی

اگر چه این نوشته درباره نظریه شناخت و یا به طور عام فلسفه نیست، با این حال هنوز برخی ملاحظات درباره روش شناسی فاسلر به دلایل هیوریستیک [روش‌های اکتشافی یا پی‌یرنده<sup>5</sup>] heuristically ارزشمند است. برای آن که بتوان بحث محتوایی با کتاب فاسلر را بهتر به پیش برد، معقول است که اگر ما در آغاز، آگاهانه درباره روش شناسی فاسلر تأمل کنیم.

مهم‌ترین جنبه در روش شناسی فاسلر، ساختن [سرهم کردن] ارتباط بین نظریه‌های مختلف است. فاسلر از نظریه‌های مختلف، روش‌های پژوهشی را به عاریت می‌گیرد.<sup>6</sup> تالیف او شامل عناصری از نظریه انتقادی و نظریه سیستمی می‌باشد و نیز به میزان زیادی از ساختارگرایی ملهم می‌شود. از این طریق، مولف کیفیت نوینی را برای یک کار علمی نمی‌آفریند، بلکه این فقط سرهم ساختن التقاطی روش‌های مختلف است که بدون آزمودن پیش فرض‌ها و دامنه اعتبارشان به کار بسته می‌شود.

اگر روش‌ها و اصول به عنوان "رویکردی کاربردی با برنامه و مستدل" فرض نشوند، آنگاه چهار فرض زیر برای روش‌شناسی فاسلر به راحتی قابل قبول است:

1. ... قوانین طبیعت را نمی‌توان اثبات کرد، فقط می‌توان آن‌ها را آزمود و آن را به طور تجربی رد کرد...

2. دومین اشاره بر این امر استوار است که هر مشاهده‌ای به رسانه وابسته است، تا آنجا که مشاهده‌گر قصد دارد که موضوع مشاهده را با دیگران به گفتگو گذارد، آنان را به مشاهده‌گری تشویق کند، و [...] رسانه‌ها تفاوت‌های بسیاری را عرضه می‌کنند. با این همه شناسایی مجزا و یا تمام تفاوت‌های ممکن برای جامعه علمی / جامعه فرهنگی، ناممکن است.

3. ... انسان شدیداً دگرسالار<sup>7</sup> (heteronom) است. مناسباتش با محیط را نمی‌توان بر یک نمونه یا یک منطق یگانه، فروکاهید...

4. ... پیچیدگی‌های مردم‌شناسانه، تکنولوژی رسانه‌ای، فرهنگی و ساخته تمدن را نمی‌توان از هم جدا ساخت... آنچه ما نیاز داریم، تفکری تغییریابنده از سنتزها، از کاربردها، از دوران همبستگی‌ها و روابط است.<sup>8</sup> این مفروضات اشاره بر منطق پوزیتویستی دارند. فاسلر به رویکردهای فکری لودویگ ویتگنشتاین، کارل پوپر و... متصل می‌شود.<sup>9</sup>

---

5. یابنده، پی برنده. روندی محاسباتی که با سعی و خطا یا قانونهایی آسان راهکار یک مسأله را می‌یابد. از واژه ی یونانی هیوریستیک به معنی یافتن برگرفته شده است. توأمندسازی انسانها برای این که خوشان چیزی را بیابند یا فراگیرند. (فرهنگ فشرده ی اکسفورد) [برگرفته از پیشنهاد لغت نامه دهخدا ن.ک. - <http://www.loghatnaameh.com/dekhodaworddetail> [4a5ee1d3148940119c5e52fe03e140a5-fa.html]

6. Die Kritik an der Zuchtgemeinschaft von Sprache, Text und Subjekt ist in Debatten des Strukturalismus und Post-Strukturalismus sehr gut dokumentiert. (Faßler, M.: S. 104)

Siehe auch Seiten 37, 50, 106, 242, 243, 283 usw. für Strukturalismus und Frankfurter Schule.

7. برگرفته از پیشنهاد دکتر آشوری در "طبع زبان فارسی": آشوری، داریوش - بازاندیشی زبان فارسی (ده مقاله): تهران: نشر مرکز، 1375. واژگان دگرسالاری (HETERONOMY) در فلسفه کانت در مقابل خودسالاری (Autonomy) به کار برده شده است و با حالتی از هستی اطلاق می‌شود که از قوانین دیگران پیروی می‌شود. در علم اخلاق این واژگان به طور خاص به عنوان حالت مقابل خودسالاری به کار برده می‌شود. (ن.ک به بریتانیکا 1911 Encyclopædia Britannica/Heteronomy [http://en.wikisource.org/wiki/1911\\_Encyclopædia\\_Britannica/Heteronomy](http://en.wikisource.org/wiki/1911_Encyclopædia_Britannica/Heteronomy)).

8 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 104-5.

9 Es sieht so aus, dass er als „Vorstand der Lehrkanzel für Kommunikationstheorie an der Hochschule/ Universität für angewandte Kunst in Wien“ (1995-99) starke Einfluss von „Institut Wiener Kreis“ bekommen hat.

فرض نخست، استدلالی از لودویگ ویتگنشتاین را دنبال می‌کند که بر طبق آن، تمام [قوانینی که] قوانین طبیعت قلمداد شده‌اند، فقط فرضیات گمانه‌زنانه‌ای هستند که نمی‌توانند اثبات شوند. تنها، تجربیات تکرار شونده‌امان موجب شکل‌گیری معقول چنین قوانینی برای ما می‌شوند. مضمون حقیقی این قوانین، اما، کاملاً فرضی است. بدین طریق، تجربه عملی برای حقیقت بی‌معناست.

"این امر که خورشید هر روز طلوع می‌کند، یک فرضیه است؛ یعنی: ما نمی‌دانیم، آیا [خورشید] طلوع خواهد کرد."<sup>10</sup>

فرضیات دوم و سوم، نسبی‌گرایی را [در روش‌شناسی] داخل می‌کند. از طریق چهارمین فرض، بنیان موضوع مطرح شده از جانب فاسلر آفریده می‌شود که تفکر جدیدی درباره پیچیدگی ساختارهای شبکه‌ای مطالبه می‌کند. مطالبه برای "تفکری تغییر یابنده از سنتزها، از کاربردها، از همبستگی‌ها و روابط دورانی"، از این طریق در فرضیات تثبیت می‌شود، بی‌آنکه درباره‌اش اندیشیده شده باشد.

### 3 شبکه: پنج گام نزدیک‌شونده به مفهوم

چندگونگی روایت‌ها درباره جامعه اطلاعاتی (مانند دمکراسی سبیریک، کار از راه دور، کارفرمایان مجازی، تلویزیون دیجیتال...) بر پایه شبکه‌ها استوارند. یک مقایسه کوتاه مابین شبکه‌ها و شبکه‌های تلفنی برخی از ویژگی‌های شبکه‌های تکنیکی را روشن می‌کند:

ویژگی‌ها	تلفن	شبکه
محویره	+	+
حافظه	-	+
قابلیت فرامرزی	+	+
قابلیت چندرسانه‌ای	-	+
وابستگی زمانی	(همزمانی)-	(ناهمزمانی)+

تفاوت میان شبکه (Netzwerk) و شبکه در حیطه تکنیکی (Netz) در این نهفته است که تنها دستگاه‌هایی که در شبکه بایکدیگر در پیوند قرار دارند، می‌توانند کارآیی بالایی داشته باشند. [در حالیکه] دستگاه‌ها در شبکه تکنیکی (Netz) تنها می‌توانند یک کارکرد ساده را موجب شوند.

فاسلر در پنج قدم مفهوم خود را از "شبکه" شرح می‌دهد و می‌گسترده. این مفهوم‌سازی، می‌بایستی در سطور زیر بازسازی شود.

#### 3.1 غوطه‌وری (Immersion)

فاسلر "غوطه‌وری" را به عنوان "عملی دائمی، اطلاع رساننده و وابسته که دارای نتیجه دائمی نیست..." توضیح می‌دهد. او از "غوطه‌وری"; استفاده از یک سیستم تکنیکی در ارتباطات بین‌انسانی [ارتباط انسان با انسان] و نیز همچنین آفرینش محاوره‌ای میان انسان با رسانه‌ها را درک می‌کند.

ارتباط انسانی زمانی برقرار می‌شود که انسان‌ها به یکدیگر اطلاع‌رسانی می‌کنند. ارتباط انسانی به اشکال مختلف رخ می‌دهد: (به عنوان ارتباط انسانی رو در رو، به شکل ارتباط شفاهی راه دور (تلفن و رادیو)، به شکل ارتباط کتبی (کتاب، نامه، فاکس،...)، به شکل ارتباط الکترونیکی (ای میل، اینترنت) و از طریق رفتار (بدنی)

علاوه براین، می‌بایستی در اینجا مفهوم به کار برده شده "ارتباط انسانی"، همچنین رسانه‌های همگانی (مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها - خلاصه رسانه‌های چاپی-) را در برگیرد. در این رابطه سه گروه زیر تشکیل می‌شوند:

"یکی به همه" (رسانه‌های فرستنده)؛ "یکی به تعداد زیادی" (رسانه‌های چاپی)؛ "همه به همه" (شبکه‌ها).<sup>11</sup> دو گروه اول بدون [ویژگی] محاوره‌ای هستند. تنها در شکل سوم امکان محاوره وجود دارد، چرا که کانال بازگشت فعال وجود دارد.

بر اساس نظریه فاسلر می‌بایستی تعریف قدیمی از رسانه‌های توده‌ای گسترش یابد. او با این تعریف، نظریه ولفگانگ هاگن را نقض می‌کند که به نظرش [ولفگانگ هاگن]، "حذف ضروری از حضور هر گونه محاوره" را یک ویژگی رسانه‌های توده‌ای می‌بیند. "اگر" توده" یک حامل ساختار رسانه‌های تکنولوژیک است، که امکان هرگونه کانال بازگشت را مسدود می‌سازد، بنابراین تکنولوژی‌های شبکه‌ای پایان رسانه‌های توده‌ای در مفهوم بیان شده قبلی هستند."<sup>12</sup>

فاسلر از تکنولوژی شبکه‌ای به عنوان نمونه‌ای برای رسانه‌های توده‌ای نام می‌برد. رسانه‌ای که با تعریف قدیمی دیگر همخوانی ندارد، چرا که این رسانه کانال بازگشت و بدین طریق محاوره را حذف نمی‌کند. چنین رسانه‌هایی روند ارتباطات میان-انسانی را تغییر داده‌اند. در حال حاضر، دیگر به جدایی مکان طرفین ارتباط، به عنوان مانع مهم برای برقراری یک ارتباط موفق نگاه نمی‌شود. با این حال همچون گذشته، شرط نزدیکی "بر فکر" [نزدیکی فکری] میان افراد محاوره‌کننده باقی می‌ماند.

فاسلر حضور بدنی/فیزیکی را، به عنوان یک ذخیره واقعی و قابل اطمینان می‌نگرد؛ با این حال این گزاره دیگر حتی برای سیستم‌های اجتماعی ساده هم معتبر نیست. علاوه بر این، او مابین اثر متقابل (Interaktion) و محاوره (Interaktivität) تفاوت روشنی قائل است.

او "اثر متقابل" (Interaktion) را به عنوان اشکال بیان "تبادل مستقیم قابل رویت و در زمان و فضا حاضر انسان‌ها" تعریف می‌کند. برعکس او "محاوره" (Interaktivität) را عملی می‌بیند که دربرگیرنده رابطه انسان با انسان نیست. "محاوره" یک عمل مشترک بین انسان با سیستم‌های فنی است.<sup>13</sup>

شبکه‌ها کنونه (حال حاضر) هستند. این بدان معنی است که فاسلر در شبکه‌ها چیزی با قابلیت حال حاضر می‌بیند. او می‌نویسد: "...شبکه‌ها کنونه (حال حاضر) هستند، چرا که ابعاد جهانی آنان تنها از طریق غوطه‌وری (Immersion) و محاوره به وجود می‌آید،..." با این حال از نظر او این گزاره که "کنونه (حال حاضر) شبکه است" نادرست است؛ او در این باره می‌گوید: "کنونه (حال حاضر) شبکه‌ها تنها زمانی قطعاً توصیف می‌شود که زمان‌های حضور [...] در قابلیت مشاهده داشته باشد."<sup>14</sup>

### 3.2 ریختیابی رسانه‌ای (Mediamorphosis) (خودسازمانی فرهنگی که بر پایه رسانه‌ها شکل گرفته)

بر اساس نظریه فاسلر، نظریه کنونی، که رسانه‌ها را چیزی فراتر از تنها انتقال‌دهنده پروسه‌های فنی و وسیله‌ای برای ارتباطات نمی‌داند، ناکافی است؛ (این نظریه رسانه را وسیله ارتباطی می‌داند که "نزدیکی و دوری، نزدیک شدن و دور شدن"<sup>15</sup> را ممکن می‌سازد و آن را تغییر می‌دهد)؛ دلیل این که این نظریه ناکافی است؛ این است که این وجه که یک واقعیت جدید به وجود می‌آید، نادیده گرفته می‌شود. این مسئله (یعنی آفرینش واقعیت نوین) را فاسلر به عنوان خودپویی رسانه‌ها درمی‌یابد.

فاسلر می‌نویسد: "دنیای شبکه" موجب نوعی از ارزش‌گذاری نوین بسیاری از ویژگی‌ها، همچون میزان آشنایی (با یک شخص، یک سازمان یا یک رخداد) می‌شود.

11 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 135-6.

12 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 135.

13 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 246.

14 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 250-1.

15 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 97.



وابستگی و تداوم شبکه‌ها بر اسا □ نظر فاسلر، به میزان جهانی بودن بخش‌های اطلاع رسانی مدنی<sup>16</sup> وابسته است، مانند "چه فرهنگی به وسیله این بخش‌ها" پیش برده می‌شود. لیکن بر اسا □ نظریه فاسلر، از خودسازمان-یابی شبکه‌ها نمی‌توان "نه از طریق عمل مستقیم، و نه از مدل‌های غیرمستقیم" سخنی به میان آورد. شبکه‌ها برای فاسلر قبل از هر چیز "محیط باز دوری جستن و نزدیکی مداوم" است که در آن "هویت شخصی و وابستگی‌های فرهنگی وجود می‌آیند"<sup>17</sup>.

فاسلر مفهوم "فرهنگ رابط و فرهنگ شبکه‌ای" را برای این به کار می‌برد تا دگرگونی‌ها در ترکیب‌های فرهنگی که به تکنولوژی رسانه‌ای وابسته‌اند، و یا به عبارت دیگر از آن طریق به وجود می‌آیند را، بیان کند. فاسلر معتقد است به یک "گذار از مدلی فرهنگی [...] که با دنیایی بسته و نمادهای یگانه شکل گرفته به سوی تفاهمی فرهنگی که میزان بیشتری از واکنش و حق انتخاب را می‌طلبد". این موضوع را می‌توان برطبق نظریه فاسلر چنین خلاصه کرد: "گذار از یک اعتقاد فرهنگی به یک تفاهم فرهنگی"<sup>18</sup>. بدین طریق بر اسا □ نظر او، دیگر فرهنگ‌هایی که تنها منطقه‌ای و یا ملی هستند، نمی‌توانند ادامه حیات دهند.

فاسلر این نظر را نمایندگی می‌کند که فرهنگ، اغلب به طرز نابسندگی مربوط به تصمیم‌های در گذشته گرفته شده، درک می‌شود. به فرهنگ، اما می‌بایستی در پهنای آینده‌گرا پرداخته شود. این چنین "می‌توان از امکان عملی شدن فرهنگ سخن گفت". برای نمونه در این مورد فاسلر مفاهیم تولید فرهنگی و "برنامه ریزی، روند موازی یا شبکه‌های اضطراری"<sup>19</sup> را نام می‌برد.

در این مرحله، گذاری ضمنی یا پوشیده از شبکه‌های فنی به شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود. فاسلر اینک، شبکه را رسانه می‌نامد. در اینجا واژگان‌شناسی فنی حفظ می‌شود، اما نقطه ثقل بحث بر تاثیر متقابل میان تکنیک و جامعه با توجه ویژه بر رسانه‌های نوین، جابجا می‌شود.

### 3.3 شناخت (سطح ژرف)

"شبکه‌های رسانه‌ای... حوا □ رسانه‌ای را به یکدیگر پیوند می‌دهد (شنیدن، خواندن، دیدن، نگاه کردن، یاد گرفتن)، حواسی که قرن‌ها جدا از یکدیگر شکل گرفته‌اند. بدین طریق درک رسانه‌ای چندحسی شکل می‌گیرد"<sup>20</sup>. فاسلر قصد دارد با ارائه این تعریف نظریه ویلم فلوسر درباره "سطح" را گسترش دهد. او در سال 1978 نوشت: "رنگ‌ها وسیله‌ای هستند که از طریق آن سطوح برای ما پدید می‌آیند. بنابر این وقتی یک قسمت مهم از پیام‌های برنامه‌ریزی شده ما با رنگ متفاوتی ظاهر می‌شود، این مسئله نشانگر آن است که سطوح، انتقال دهندگان مهمی برای پیام‌ها شده‌اند. (...)"

ولی این واقعیت که انسان از طریق سطوح (یا تصاویر) هدایت می‌شود، نمی‌تواند به عنوان یک پدیده انقلابی نوین بیان شود. برعکس: به نظر می‌رسد که مسئله بر سر بازگشت به شرایطی بسیار قدیمی است. قبل از اختراع خط نیز، تصاویر وسیله ارتباط تعیین‌کننده‌ای بودند"<sup>21</sup>.

فاسلر مفهوم گرفته شده از فلوسر، سطوح را، به سطوح عمیق گسترش می‌دهد. تفاوت میان هر دو مفهوم، به شیوه و نوع درک رسانه‌ای و تعبیر آن باز می‌گردد. یعنی، سطح اول (درک رسانه‌ای) در نزد فلوسر یک سطح یک بعدی و در نزد فاسلر چند بعدی (چند حسی) است. در سطح دوم فلوسر تاکید دارد که این ویژگی بر اسا □

16 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 257.

17 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 259.

18 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 262.

19 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 300.

20 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 98.

21 Flusser, Vilém: Medienkultur. Die kodifizierte Welt. Frankfurt a.M.: Fischer 1997. Aus: www.zonic.ch/oldeshtml/uebungen/tabelle\_2/seite/1.html

گذشته استوار است. بر عکس فاسلر یک کیفیت نوین آینده‌گرا از ادراک را، در مقابل قرار می‌دهد. او بدین طریق تنها واژگان فلوسر را وام می‌گیرد. در حالیکه مفهوم واژگان سطح را تغییر می‌دهد.

فلوسر "سطح" را به عنوان یک بخش از مدل کلی ارائه شده‌اش طراحی کرد: "ما همچنان به همان شکلی زندگی می‌کنیم که گذشتگان ما از زمان به وجود آمدن نوع ما زندگی می‌کردند. اما این روش برای زندگی انسان‌ها به طور سطحی در طی هزاران سال دست خوش تغییراتی شده است، بدون این که در طی این تغییرات ساختار بنیادی تغییری کرده باشد. این تغییرات را می‌توان "دگرگونی یا جابجایی الگوها" نامید. از چندین قرن پیش تاکنون، انسان‌های غربی خودشان را به عنوان سوژه (ذهنیت) جهان و جهان را به عنوان ابژه (عینیت) خود تجربه کرده‌اند، و پیامد این نگرش علم و تکنیک مدرن بود. در حال حاضر، ما شروع به تجربه صوری کرده‌ایم و شروع کرده‌ایم خود را و جهان را به عنوان محتوای شکل‌ها تجربه کنیم. نتایج این نگرش غیرقابل چشم پوشی است.

نویسنده این سطور به خوبی آگاه است که [...]، منظور از مفهوم پست مدرن چیز دیگری است از آنچه که اینجا بیان می‌شود..."<sup>22</sup>

وقتی که درک از تعریف سطح نزد فلوسر را با درک سطح عمیق نزد فاسلر مقایسه می‌کنیم، آنگاه دو واژگان متفاوت خود را نشان می‌دهند که تنها تشابه کلامی دارند. از نظر محتوایی این واژگان‌ها کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند. به وسیله شناخت ویژگی، به شبکه یک رویکرد آینده‌گرا نسبت داده می‌شود. شبکه‌ها می‌توانند بدین طریق به عنوان حامل به یک جامعه نوین (جامعه اطلاعاتی) خدمت کنند.

#### 3.4 جوامع بسته ناشدنی (ارتباطات باز)

در اینجا بر این نکته تأکید می‌شود که دامنه و اهمیت محیط‌های رسمی افزایش یافته است. این روندهای صریح، انتزاعی و رسمی دیگر امکان مشتق شدن از یک منشاء مرموز را نمی‌دهند. آن‌ها محصولات اجتماعی و فرهنگی هستند.

شبکه‌ها دارای یک زمان مشخص با یک مکان مرتبط با آن هستند. محتوای آن‌ها موضوعات مشخص است و ورودی‌های معینی دارند. روابط به وجود آمده از آن‌ها دیگر نشان دهنده یک کل بدیهی نیست. آن‌ها روندهای نسبتاً واحدی را در سطح جهان امکان پذیر می‌سازند. "شبکه‌ها ساختارهای جوامعی مرزناپذیر از کاربران، کاوشگران، تفسیرگران و سیستم‌های خودگردان الکترونیکی هستند."<sup>23</sup>

مفهوم فضا و مکان فنی مفروض در اینجا به عنوان فهم عمومی فضا و مکان در نظر گرفته می‌شود. این واقعیت که در شبکه‌های اطلاعاتی به سرعت برق می‌توان بر فواصل طولانی غلبه یافت، به طور پنهانی به یک وضعیت موجود عمومی تغییر می‌یابد. غلبه یابی بر فواصل مکانی نه تنها مسئله تکنیکی/فنی انتقال اطلاعات است، بلکه همچنین مسئله روابط مالکیت و توزیع در یک جامعه است. این جنبه برشمرده آخر مورد توجه فاسلر واقع نمی‌شود. تنها تأکید بر امکانات تکنیکی غلبه بر فواصل، می‌بایستی شبکه‌ها را به عنوان نیروی محرک جامعه اطلاعاتی جهانی نمایش دهد.

"سیستم‌های مرزبندی روابط اجتماعی، با شبکه‌سازی رسانه‌ای تکنیکی جهانی در هم ادغام می‌شوند، شبکه‌هایی که در آن‌ها همچنین اقتصاد، آموزش، دستیابی به دانش، ارتباطات امکان‌پذیر می‌شود."<sup>24</sup>

22 Flusser, Vilém: Medienkultur. Die kodifizierte Welt. Frankfurt a.M.: Fischer 1997, S. 200.

23 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 100.

24 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 148.

یا: "استفاده از شبکه‌های رسانه‌ای نوع تازه‌ای از نزدیکی فرامنطقه‌ای را به وجود می‌آورد: دامنه تغییر یافته گفتگوها، تنظیم زمانی حضوری که مدت‌ها تنها از طریق گفتگوی رو در رو یا تلفنی امکان پذیر بوده است".<sup>25</sup>

قدم چهارم در این فرض بر اساس گزاره چارلز ساندرز پییر [Charles Sanders Peirce] (1839-1914) بنیانگذار مکتب پراگماتیسم) است. طبق نظر پییر شناخت مطمئنی وجود ندارد، چرا که همواره آلترناتیوهای متعددی وجود دارند که از میان آنها می‌توان انتخاب کرد. "چارلز ا. پییر به نظریه دیالکتیک هگل متوسل می‌شود و نظریه دیالکتیک روح هگل را در یک دیالکتیک تجربی به کار می‌برد."<sup>26</sup> فاسلر تلاش دارد معناشناسی رسانه‌ای پییر و تئوری فیلم دلوز [Deleuze] را برای نظریه خود یعنی جامعه اطلاعاتی توسعه دهد.

### 3.5 دگرمراتبی [Heterarchy] (پیچیدگی)

با توجه به پیچیدگی واقعیت شبکه فاسلر می‌نویسد: "رسانه‌ها می‌توانند در پهنه‌های مختلف در یک و همان محدوده فرهنگی بسیار متفاوت ادغام شوند".

"[وارن مک کلوچ توجه را به این موضوع جلب کرده بود] که کارکرد مغز را نمی‌توان به عنوان ساختار سلسله مراتبی فهمید. روندهای موازی بسیار پیچیده و درهم‌تنیده هستند و تصویر تک خطی یا مرکزی از نوع کارکرد مغز را ارسال نمی‌کنند. او این موضوع را دگرمراتبی یا هترارشی نامید.

"فراادستی [رده بالاتر در سلسله مراتب] و فرودستی [رده پایین‌تر در سلسله مراتب] به صورت قابل توجه و یا غیرقابل توجه در این بهم تابیدگی، رهبری دائمی تغییر یابنده را امکان پذیر می‌سازد. این مسئله منجر به هیچگونه وحدت و متمرکزسازی نمی‌شود. هاینس و. فورستر این ملاحظات را می‌پذیرد (1984) و دگرمراتبی (= نظم افقی با گرمگاه‌های تقسیم شده قدرت) را به عنوان «اصل رهبری بالقوه تعریف می‌کند».<sup>27</sup>

او تنها بر یک فرضیه‌ای درباره عملکرد مغز بر اساس نظر مک کولوچ تاکید دارد. اما فرضیات دیگری نیز وجود دارد و بهترین پاسخ در این باره از [خود] مک کولوچ است که می‌گوید: "این یک پاسخ است، تنها یک پاسخ، پس از آن که من سی سال صرف کردم تا چگونگی کارکرد مغز را دریابم..."<sup>28</sup>

با این ویژگی [دگرمراتبی]، یک مشکل اجتماعی به شبکه‌ها حواله داده می‌شود. اما از دیدگاه فنی ساختارهای شبکه‌ای متفاوتی وجود دارند. این ساختارها می‌توانند متمرکز، سلسله مراتبی یا غیرمتمرکز و افقی باشند. این مهندسی فنی به وسیله فاسلر به طور خودسرانه تنها به یک سیستم غیرمتمرکز کاهش می‌یابد و از این طریق شبکه‌ها، متناسب بر تصورات امروزی از یک جامعه نوین یا جامعه اطلاعاتی همسان‌سازی می‌شوند.

25 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 175.

26 Schäfer, Karl -H.: Mediensemiotik und Medienpädagogik,

in: A. Fischer-Buck, K.-H. Schäfer, D. Zöllner (Hg.): "Werte II, Humanität und Wissenschaft", Franz-Fischer Jahrbuch für Philosophie und Pädagogik, 1998, 3.

Aus: [http://www.fb12.uni-dortmund.de/poison/schaefer/Literatur/Mediensemiotik\\_und\\_Medienpaedagogik.doc](http://www.fb12.uni-dortmund.de/poison/schaefer/Literatur/Mediensemiotik_und_Medienpaedagogik.doc)

27 Faßler, Manfred: a. a. O. S. 102.

28 <http://mitpress.mit.edu/catalog/item unter: Warren McCulloch>.

## 4 نقد

### 4.1 نقدی بر روش شناخت

برای فاسلر در کتابش "شبکه‌ها، مقدمه در ساختارهای شبکه، فرهنگ شبکه و جامعه‌گرایی توزیع‌شده" مهم ارائه توصیف و آنالیز پی‌آمدهای اجتماعی قابل درک از نفوذ شبکه‌های فنی در اجتماع است.

آنچه قابل توجه است و امگیری غیرانتقادی مفهوم شبکه از حیثه فنی به اشکال تجلی اجتماعی آن است. شبکه‌های تکنیکی بدون شک پی‌آمدهای اجتماعی با خود به همراه می‌آورند. ساختارهای ارتباطی بین انسان‌ها به وسیله وسایل کمکی فنی تغییر یافته و به عبارت دیگر گسترش می‌یابند.

پیوند مکانی، همان طور که این پیوند مشروط به رابطه رو در رو است، به وسیله امکانات تکنیکی به شکل قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌یابد (مانند استفاده از تلفن و اینترنت برای جابجایی اخبار). طرف‌های ارتباطی، امروزه در مکان‌های متفاوتی هستند و از طریق شبکه‌های ارتباط راه دور (تله کمونیکاسیون) با یکدیگر در ارتباط قرار دارند. این امکانات تکنیکی فضای آزاد جدیدی برای تک تک افراد و همچنین برای اجتماع به همراه دارد. اما آن‌ها به هیچ وجه پیش فرض برای محتوی و شرایط استفاده از آن، تعیین نمی‌کنند. این‌ها [محتوی و شرایط استفاده را] مسائل اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌کنند. مسائلی که نمی‌توان به راحتی به شکل علی (سببی) از شبکه‌های تکنیکی مشتق کرد.

فاسلر به طور دلخواه مفاهیمی از شبکه‌های تکنیکی را در پهنه‌های اجتماعی و ارتباطی به عاریت می‌گیرد. این مسئله منجر به واژگان‌شناسی مبهمی در حیثه اجتماعی می‌شود، که به سختی قابل فهم است. واژگان تخصصی به این طریق از زمینه مشخص خود گسیخته می‌شود و کاربرد زبانی ارزشمندش از آن ربوده می‌شود.

به نظر می‌رسد، تجزیه و تحلیل ساختارهای اجتماعی بر اساس شرایط فنی و تاریخی مشخص، تنها زمانی مفید باشد که کیفیت ویژه ساختارهای اجتماعی از آن‌ها ربوده نشوند. چنین روشی، برداشتی یک به یک از مدل‌های تکنیکی برای توضیح و شرح ساختارهای اجتماعی برای اروپای میانه، لا متری (La Mettrie)، را به یاد می‌آورد: یادآور انسان به عنوان یک ماشین و یا غده پینه آل (غده صنوبری) دکارت برای توضیح و گذار از ماده به روح و برعکس است<sup>29</sup>. نه روش هندسی دکارت و نه شبکه‌های فنی قرن بیستم و بیست و یکم هیچ یک، پایه کافی برای توضیح روندهای اجتماعی در اختیار ما قرار نمی‌دهند.

### 4.2 منافع اقتصادی

هابرما □ می‌نویسد: "زبان نیز یک رسانای سلطه و قدرت اجتماعی است. زبان به خدمت مشروعیت بخشیدن مناسبات قدرت/خشونت سازمان یافته شده، در می‌آید"<sup>30</sup>. در معنی مجازی، این تعریف برای شبکه‌ها نیز معتبر است. در حال حاضر شبکه‌های فنی به طور غالب از راه‌های ارتباطی که نسبت به دنیای خارج بسته هستند، تشکیل شده است؛ راه‌هایی که به شدت توسط صاحبانشان کنترل می‌شوند.

29 رنه دکارت (1596 تا 1650)، بنیان‌گذار عقلگرایی، احتمال ارتباط مستقیم بین غده صنوبری در مغز و چشم را می‌داد. او به نادرستی اعتقاد داشت که محل اصلی ذهن یا روان در مغز و غده صنوبری قرار دارد. [توضیح از مترجمین]

30 Habermas, Jürgen: Zu Gadamer's „Wahrheit und Methode“, in: Karl-Otto Apel u.a. (Hg.): Hermeneutik und Ideologiekritik, Frankfurt/M 1971, S.52ff.

نوع و روش و همچنین محتوی ارتباطات، همگی تنظیم شده [قانونگذاری شده] هستند. اینترنت "WWW" تنها یک بخش بسیار کوچک از ارتباطات شبکه‌ای را نمایندگی می‌کند. به دلیل تجاری شدن فزاینده، محتوی و دسترسی به اینترنت، فضاهای آزاد زیادی که تاکنون امیدی به آن‌ها وجود داشت، تنها برای تعداد کمی از انسان-ها در جهان قابل دسترسی خواهد بود. به نظر می‌رسد اینترنت به عنوان یک پلاتفرم شفاف برای شهروندان، به خاطر شرایط دسترسی و شرایط امنیتی که نتیجه تجاری شدنش است، شکست بخورد.

"در اینجا بدون شک ما یک عرصه هیجان‌انگیز از گسترش آینده داریم! این، پیش از همه چیز صدق می‌کند، چراکه مسئله بر سر بازارهای میلیاردی است..."<sup>31</sup>

بازارهای جدید سودآور، منافع اقتصادی خصوصی را در چنین فعالیت‌هایی شدت می‌بخشند. بسیاری از این نام-های جدید مانند نیو اکونومی، رسانه‌های نوین... این وجد و خوشحالی را بیان می‌کنند. با این حال، تجاری شدن این امکانات ارتباطی نوین، پرسش‌های بسیاری را برمی‌انگیزد. برای نمونه: آیا این رسانه‌های نوین توسط بازارها قابل کنترل هستند یا آن‌ها نشان دهنده شکست دائمی بازار هستند؟ این پرسشی جالب است که در اینجا متأسفانه مجال برای پرداختن به آن نیست. پرسش دیگر این است که: چگونه این بازارهای میلیاردی در جهان تقسیم شده‌اند؟ حدود 80% همه فعالیت‌های اقتصادی برای معاملات شبکه‌های کامپیوتری در ایالت متحده آمریکا اختصاص می‌یابد.<sup>32</sup> در سال 1999، 87% سرورهای (Server) جهان در ایالت متحده آمریکا قرار داشت.<sup>33</sup>

در این زمینه، در رابطه با استفاده از اینترنت، می‌توان به شرح زیر نتیجه‌گیری کرد: خدمات بازرگانی آنلاین با دریافت کارمزد، خدمات مختلفی را ارائه می‌دهند. خدماتی که از طریق کامپیوترهای شخصی در همه دنیا می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند. امید به یک فضای آزاد جهانی، بدون کنترل، بدون تجاری شدن،... با هر پیشنهاد تجاری جدید دیگری در اینترنت WWW و همچنین شکل دسترسی به اینترنت از بین می‌رود.

رشد کنونی کاربران اینترنت در سراسر جهان حدود 50 میلیون شرکت‌کننده در سال می‌باشد. به این طریق آلمان در طی شش ماه سال 1999 با یک رشد 25 درصدی، تعداد 9.9 میلیون کاربر داشته است. در مجموع تا زمان نگارش این سطور در سطح جهان تنها 180 میلیون کاربر ثبت شده‌اند.<sup>34</sup>

---

31 Rüter, Klaus: Die künftige Bedeutung des digitalen Fernsehens in Deutland. In: Digitales Fernsehen in USA und Europa, Trier, Wissenschaftlicher Verlag Trier, S.9, 1998.

32 Fröhlich, Gerhard: Netz-Euphorien. Zur Kritik digitaler und sozialer Netz(werk)metaphern, S. 4.

33 [http://www.nua.ie/how\\_many\\_online/](http://www.nua.ie/how_many_online/)

34 Statistik in: [http://www.nua.ie/how\\_many\\_online/](http://www.nua.ie/how_many_online/) und IVW Seite im Internet

## 5 جمع‌بندی درک فاسلر از شبکه

من در این نوشته نگاهی کوتاه بر رویکرد نظری فاسلر به شبکه‌ها و تاثیرشان بر گسترش پهنه ارتباطات داشتم. این کار می‌بایستی مبانی‌ای فراهم کند تا پیچیدگی مبحث را روشن سازد. علاوه بر این، در اینجا رویکرد فاسلر و پنج مرحله نزدیک شدنش به مفهوم شبکه را شرح دادم.

به طور خلاصه می‌خواهم روشن کنم که مفهوم‌سازی (Konzeption) فاسلر درباره شبکه‌ها یک قابلیت شمول عام از رسانه و یا مفهوم شبکه برای یک دوره نوین را ندارد. [از میان انبوه نظریات ارائه شده در این زمینه]، نظریه فاسلر یکی از این نظریات است که تجزیه و تحلیل‌های تئوریک نازلی دارد.

این که این دگرگونی‌ها در چه جهتی پیش خواهند رفت را نمی‌توان به این راحتی پاسخ داد. شبکه‌های فنی به وجود آمده‌اند و در آینده نیز توسعه خواهند یافت. اما به چه شکل و روشی؛ و یا این که چه پیامدهای اجتماعی را در بر خواهند داشت، مسئله‌ای است که در حال حاضر در رویکردهای تئوریک متفاوت، درباره‌اش بحث می‌شود. در حال حاضر کمی زود است که یک حکم نهایی صادر شود. همان طور که می‌دانید جغد مینروا (owl of Minerva) تازه در شب به پرواز درمی‌آید.<sup>35</sup>

---

35 جغد مینروا: این اشاره به نقل قولی از هگل در بحثش درباره «فلسفه حق» است که هگل فلسفه را با جغد مینروا مقایسه می‌کند. مینروا، یکی از خدایان اساطیر رومی است که با «آنته» خدای یونانی تطابق دارد. برای هر خدای رومی یک پرندۀ نسبت داده شده است؛ برای نمونه عقاب به ژوپیتر و جغد، پرندۀ دانایی، به مینروا. چون جغدها تازه در گرگ و میش شب به پرواز درمی‌آیند، هگل آنها را با فلسفه مقایسه می‌کند، که قادر به توضیح وقایع می‌تواند باشد که دیگر برای دگرگونی دیر شده است. به بیان ساده، فلسفه، به این معنا، همواره از پس واقعه روان است و فلاسفه، همواره قادر به معنا بخشی و تعبیر و تفسیر گذشته هستند. هگل در مبانی فلسفه حق می‌نویسد: «اگر فلسفه خاکستری‌اش را در خاکستری نقش می‌زند، پس حالتی از زندگی قدیمی شده است، و با خاکستری در خاکستری اجازه جوان شدن نمی‌یابد، بلکه فقط قادر به شناختن می‌شود؛ جغد مینروا تازه در دمامد گرگ و میش شب پروازش را آغاز می‌کند.» (<http://www.inkrit.de/hkwm/artikel/eule.pdf>)

## LITERATURVERZEICHNIS

- Faßler, Manfred: Netzwerke. Einführung in die Netzstrukturen, Netzkulturen und verteilte Gesellschaftlichkeit. München: Fink/UTB 2001.
- Löffelholz, Martin; Altmeyen, Klaus-Dieter: Kommunikation in der Informationsgesellschaft. In: Merten, Klaus; Schmidt, Siegfried; Weischenberg, Siegfried (Hrsg.): Die Wirklichkeit der Medien. Eine Einführung in die Kommunikationswissenschaft, Opladen: Westdeutscher Verlag 1994, S. 570-591.
- Rüter, Klaus: Die künftige Bedeutung des digitalen Fernsehens in Deutschland. In: Digitales Fernsehen in USA und Europa, Trier, Wissenschaftlicher Verlag Trier, 1998.
- WITTGENSTEIN, Ludwig: Tractatus logico-philosophicus - Logisch-philosophische Abhandlung. Frankfurt, 1994. Suhrkamp Verlag. Aus: <http://www.unet.univie.ac.ch/~a9902238/FBA.DOC>
- Flusser, Vilém: Medienkultur. Die kodifizierte Welt. Frankfurt a.M.: Fischer 1997.
- Schäfer, Karl -H.: Mediensemiotik und Medienpädagogik, in: A. Fischer-Buck, K.-H. Schäfer, D. Zöllner (Hg.): "Werte II, Humanität und Wissenschaft", Franz-Fischer Jahrbuch für Philosophie und Pädagogik, 1998. Aus: [http://www.fb12.uni-dortmund.de/poison/schaefer/Literatur/Mediensemiotik\\_und\\_Medienpaedagogik.doc](http://www.fb12.uni-dortmund.de/poison/schaefer/Literatur/Mediensemiotik_und_Medienpaedagogik.doc)
- Habermas, Jürgen: Zu Gadammers „Wahrheit und Methode“, in: Karl-Otto Apel u.a. (Hg.): Hermeneutik und Ideologiekritik, Frankfurt/M 1971.
- <http://www.literaturkritik.de/txt/2001-11/2001-11-0030.html>
- Statistik in: [http://www.nua.ie/how\\_many\\_online/](http://www.nua.ie/how_many_online/) und IVW Seite im Internet